



مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی  
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

گزارش نشست علمی ارزش‌یابی

# لایحه برنامه هفتم توسعه از منظر حکمرانی سایبری

شرکت کنندگان

دکتر عباس آسوشه

دکتر احسان کیان‌خواه

دکتر عزیز نجف‌پور آقاییکلو

## فهرست

۳	شرکت کنندگان
۴	مقدمه
۵	متن نشست
۲۳	برخی محورهای کلیدی نشست

## شرکت کنندگان

### دکتر عباس آسوشه

معاون سابق مرکز ملی فضای مجازی  
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس



### دکتر عزیز نبف پور آقابیکلو

مشاور رییس دانشگاه آزاد اسلامی و  
دبیر شورای فضای مجازی دانشگاه  
و رییس واحد الکترونیکی



### دکتر احسان کیان فواه

رییس مرکز مطالعات فضای مجازی  
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



## مقدمه

مرکز مطالعات فضای مجازی پژوهشگاه به صورت رسمی از سال ۱۳۹۶ کار خود را آغاز نموده است. هدف این مرکز بسط ابعاد گفتمان مجدد در مواجهه با فضای مجازی در همه‌ی ساحت‌ها و تلاش برای به خدمت‌گیری آن در راستای اهداف انقلاب اسلامی و ارزش‌های اصیل دینی است. برگزاری نشست‌های علمی در راستای تبیین چالش‌های و مسائل کشور با حضور صاحب‌نظران متنوع حوزه‌های مرتبط با فضای مجازی که ساخت کشور را در دهه‌های آینده متاثر خواهد کرد، مسیر را به سمت اتخاذ تصمیم‌های متناسب با ارزش‌ها و مسیر تحولی انقلاب اسلامی هموار کند.

براین اساس باتوجه به تاثیر برنامه‌ی هفتم توسعه در عصر سایبر و توسعه‌ی روابط اجتماعی سایبری نشست علمی «ارزشیابی برنامه‌ی هفتم توسعه از منظر حکمرانی سایبری» در تاریخ سه‌شنبه ششم تیرماه ۱۴۰۲ در محل پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شده است. امید است نقطه نظرات اساتید محترم به تصمیم‌سازی مسئولین این حوزه کمک نماید. لازم به ذکر است انتشار محتوای نشست الزاما منعکس کننده نظرات مرکز مطالعات فضای مجازی نیست.

## مرکز مطالعات فضای مجازی

از حضور اساتید محترم و قبول دعوت مرکز مطالعات فضای مجازی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سپاسگزارم.

موضوع نشست «ارزشیابی لایحه برنامه هفتم از منظر حکمرانی سایبری» است. اساساً برنامه توسعه برای تحقق امر مشخصی و یا اهداف متمایزی طراحی می‌شود و قرار است شاکله‌ای متمایزی برای کشور محقق شود. قبل از انقلاب تجربه‌ای شش دوره برنامه‌ی توسعه از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۶ وجود داشته است و از شروع دولت آقای هاشمی رفسنجانی (دوران سازندگی)، تاکنون ۶ برنامه توسعه تدوین و اجرا شده است. برنامه‌های توسعه‌ی کشور عجین شده با چشم‌انداز ۱۴۰۴ پیش می‌رفت، اما به مرور به‌نظر می‌رسد برنامه توسعه از جایگاه اصلی خود خارج شده و قرار نیست محقق‌کننده‌ی بخشی از کلان‌هدف کشور باشد و بودجه‌ریزی کشور را جهت بدهد. برنامه‌ها با تاخیر نوشته می‌شود و بین برنامه‌ها فاصله می‌افتد و عملاً برنامه در بودجه‌ریزی موثر نیست و ارتباط جدی وجود ندارد. یکی از نمایندگان مجلس گفته است، حدود سی درصد از برنامه ششم توسعه محقق شده که به‌نظر خیلی خوشبینانه است. به‌عبارت دیگر مدل اداره کشور با برنامه‌های توسعه پیش نمی‌رود و سطح برنامه‌ریزی مقطعی و اقتضایی است. در دهه‌ی گذشته تأکید بر بودجه‌ریزی عملیاتی بود، یعنی برنامه‌محور شدن و تخصیص بودجه، مبتنی بر دستیابی به شاخص‌هایی از تحقق برنامه؛ اما اثرات حقیقی این روش نیز دیده نشده است. شاید مشکلی در دانش برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه و کنترل برنامه وجود دارد. در هر صورت

این مشکلی جدی برنامه‌محوری است که باید فکر چاره کرد. عجین‌نشدن برنامه با بودجه‌ریزی یعنی هم منجر به محقق‌نشدن برنامه‌ها می‌شود و هم دستگاه‌ها بی‌ضابطه بودجه را مصرف می‌کنند. سوال اینجاست که پس از شش دوره برنامه توسعه چه اهدافی دنبال و چه تصویری محقق شده است. باید نهاد مشخصی در کشور به امر برنامه‌ریزی و کنترل برنامه بپردازد و توازن در برنامه و توجه به آمایش سرزمینی و طراحی گام‌هایی برای تحقق افق مشخص، هدف کلیدی برنامه‌نویسی‌هاست. این شاید به نداشتن نظریه مشخصی در برنامه‌ریزی برگردد و اینکه هنوز شاکله‌ی سازمان برنامه نسبت به قبل از انقلاب تغییر نکرده است.

موضوع جلسه «ارزشیابی لایحه برنامه هفتم از منظر حکمرانی سایبری» است. حکمرانی که شیوه‌ی اداره کشور مبتنی بر اقتضائات خاصی است، اولین حلقه برای اداره کشور نیست. قبل از حکمرانی اهداف قرار دارد، اهداف تابع سیاست‌هاست و سیاست‌های از نظریه‌ی مبنایی آن عرصه و نحوه‌ی داخله حاکمیت در آن موضوع تبعیت می‌کند. این ترتیب و سیر نزول از نظریه تا حکمرانی هم‌راستایی حکمرانی با کلان‌اهداف و انگیزه‌ها را تضمین می‌کند.

وقتی از حکمرانی سایبری صحبت می‌شود نیاز به تبیین دو مسئله است. اول این که حکمرانی سایبر با حکمرانی سایبری متفاوت است. وقتی فضایی را تصور کنیم که فناورانه ساخته شده و امتداد اجتماعی دارد، که بعضاً به آن فضای مجازی یا فضای سایبر اطلاق می‌شود، نیازمند روشی برای مدیریت، مقررگذاری و سیاست‌گذاری و اجرا و کنترل است. این حکمرانی سایبر یا حکمرانی فضای

مجازی است. اما در یک نگرش متعالی و آینده‌نگرانه حکمرانی، سایبری می‌شود و شده است. یعنی جنس حکمرانی، سایبری شده و اقتضائات سایبری دارد. به عبارت دیگر مدل اداره کشور سایبری شده و تغییر کرده است، مخصوصاً وقتی در افق پنج‌ساله نگریده شده است. گسترش هوش مصنوعی و به‌ویژه هوش مصنوعی مولد، نیازمند برنامه‌ی منسجمی برای هم‌گرایی و هم‌افزایی همه‌ی ظرفیت‌ها است. اینکه مقام معظم رهبری در ۱۴ خرداد امسال یا پیشتر در جلسه شورای عالی فضای مجازی سال ۹۵ فرمودند مدل حکمرانی در حال تغییر است و هوش مصنوعی، کوانتوم و اینترنت ابزار اداره‌ی کشور را تغییر داده و تغییر می‌دهد لزوم برداشتن گام‌هایی استوارتر در برنامه‌ریزی را می‌طلبد.

به نظر می‌رسد دولت و برنامه‌ریزان این سند باید پنج سال آینده را ببینند و عملاً مسیر تحقق تحولات آینده را با برنامه‌ها فراهم کنند؛ اما متأسفانه در برنامه هفتم توسعه حکمرانی سایبری کشور پذیرفته نشده است. یعنی برنامه به‌صورت کل‌نگرانه شاکله اداره کشور از اقتصاد و آب و امنیت و حوزه فرهنگ و حوزه سبک زندگی و همه‌ی مقوله‌ها را به‌صورت سایبری نپذیرفته است. مفهوم قدرت سایبری به رسمیت شناخته نشده و اساساً درست فهم نشده است. این چالش جدی برنامه است. یعنی برنامه نسبت به تحولات آینده که ملموس است واکنش و فیگور (figure) منسجم ندارد. برنامه تحول دیجیتال را به‌صورت بخشی دیده است، وزارت ارشاد، وزارت بهداشت، وزارت علوم و وزارتخانه‌های مختلف هر کدام به‌صورت مجزا به دیجیتالی‌شدن توجه کرده‌اند، در حالی که وقتی از آینده و حکمرانی نوین حرف زده می‌شود؛ یعنی نیازمند

انسجام در مدل تحولی کشور است. بازسازی ساختارهای کشور مبتنی بر نظریه‌ای فناورانه که براساس اقتضائات ایران اسلامی شکل یافته است شکل دهنده‌ی نقشه‌ی راه این تحول خواهد بود.

نکته دوم بحث، حضور جریان استارت‌آپی است. استارت‌آپی رویکردی تهاجمی و خلاقانه در حل مسائل است و می‌تواند فارغ از دغدغه‌های بی‌مورد بخشی برای چالش‌ها و مسائل راهکارها نوآورانه ارائه کنند. استارت‌آپ‌ها از رویکردهای عمدتاً B2C و B2B در حال شیفت به سمت B2G و حل مسائل حاکمیت هستند. برای حل این دست مسائل حاکمیت نیازمند سازوکارهایی و برای حضور فرصت‌ساز و کاهش آسیب‌پذیری‌ها است. جمع‌بندی این بخش اینکه ساختار برنامه خیلی آینده‌نگرانه و تحولی نیست.

#### دکتر عباس آسوشه

بسیار تشکر می‌کنم. اما به‌نظرم به جهت تدوین و ارسال لایحه برنامه هفتم به مجلس این قبیل جلسات به‌صورت موثر کارکرد خود را ندارند. وقتی می‌خواستم برای این جلسه آماده شوم، غیر از مباحث نظری که درست، ضروری و اساسی است و عدم توجه به آن موجب عدم موفقیت جدی برنامه خواهد شد، به‌نظرم باید برای برنامه موجود که روی میز است کاری انجام داد. تجربه این بیست سی سال اخیر به ما نشان داده است که هر تأخیری منافعش حتماً کمتر از مزایایش است. یاد می‌آید در یک جلسه شورای عالی فضای مجازی که در سال ۱۳۹۴ در حضور حضرت آقا تشکیل شده بود، آنجا ایشان فرمودند که اگر نجنبیم و تکان نخوریم، حتی ترافیک توی خیابان‌های ما

را هم آنها کنترل و برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین عقب افتادن با هر بهانه و دلیلی خیلی مفید نخواهد بود .

مواد لازم برای جهت‌دهی به برنامه، موجود بوده است، اما خودم را اینگونه قانع می‌کنم که سهوا و نه عمدا جاهایی فراموش شده است. در ده سال اخیر مصوبات شورای عالی فضای مجازی که توسط رهبر معظم تایید شده‌اند در برنامه هفتم به کارگیری نشده است. به‌رغم کم‌کاری‌ها و عدم توفیق مرکز در انجام وظایف، ولی کارهایی انجام شده و نمی‌شود بی‌انصافی کرد و گفت که هیچ اتفاقی نیفتاده، اتفاق‌های خوبی هم افتاده است. بنابراین جهت صحبت‌م را اینگونه ادامه می‌دهم که با توجه به صحبت‌های نظری و بنیادی که آقای دکتر فرمودند که همه‌ی آنها را قبول دارم اما حل این مسائل زمان زیادی لازم دارد و یک برنامه‌ریزی بلندمدت لازم است، اما برای اینکه بشود برنامه را درست کرد و بدون برنامه‌نویسی دوباره، باید نقاط اساسی را حل کرد. اگر در یک منطقه زلزله‌زده وارد شویم، خیلی مساله برای حل کردن هست، اما اولویت‌بندی جزء مسائل اساسی و حیاتی است. برویم به سمت کارهایی که با منابع موجود سریع‌تر می‌شود به نتیجه رسید و نتیجه دادن آن می‌تواند در رفاه مردم، مسایل فرهنگی - اجتماعی مردم، سهولت زندگی و به امنیت و آرامش رسیدن مردم اثر داشته باشد.

حکمرانی فضای مجازی شامل ده - دوازده محور است که به شکلی در برنامه‌های راهبردی فضای مجازی هم به آن اشاره شده است. که شامل بخش اقتصاد، فناوری، مدیریت، فرهنگ و اجتماع، آموزش می‌شود. وقتی فضای مجازی می‌گوییم منظور همه‌ی اینها نیست. سعی می‌کنم

با ارائه شواهد در بحث نشان بدهم که این نکته‌ای را که اشاره می‌کنم واقعا وجود دارد .

بحث اول اینکه در فضای مجازی چیزی باب شده از سال‌های قبل که Readiness یا آمادگی گفته می‌شود. این آمادگی از وجوه مختلف فنی، زیرساختی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اینگونه مباحث است، با نبود این آمادگی‌ها نمی‌شود انتظار داشت که اهداف به‌دست آید. بحث آمادگی را در جای‌جای برنامه به این ترتیب می‌بینم که متاسفانه فلان دستگاه لازم است تا فلان سامانه را طی سال اول برنامه، سال دوم برنامه یا تا انتهای برنامه انجام بدهد، فلان دستگاه و فلان دستگاه هم باید زیرساخت‌های لازم برای این کار را انجام بدهند. منابع انسانی و نیروی انسانی ماهر برای این کار هم فلان‌جا و فلان‌جا بیابند ایجاد کنند. قرار است آقای آسوشه این کار را کند، آقای دکتر نجف‌پور برای اینکه این را حمایت کند شش ماه جلوتر این کار را کند، و آقای دکتر کیانخواه هم برای اینکه این دو را جمع کند و به یک محصول قابل ارائه برساند این اتفاق بیفتد. در برنامه پنج‌ساله هم همین است. متاسفانه ما یک چنین چیزی را نمی‌بینیم یعنی ایجاد یک آمادگی، یک برنامه برای انجام آمادگی‌های لازم. وقتی برای دستگاهی مثلا وزارت ارتباطات برنامه می‌دهیم و وظیفه تعیین می‌کنیم، همان‌جا برای وزارت ارشاد هم برنامه تعیین شود، همان‌جا برای صدا و سیما هم تعیین تکلیف شود و چیزهای شبیه این.

بحث بعدی، بحث تعیین اولویت است. در جای‌جای برنامه یک‌سری شاخص‌های عملکردی گذاشته‌اند که کار خوبی است. یک‌سری سنجه‌هایی گذاشته‌اند که قابل اندازه‌گیری باشند. روش اندازه‌گیری آنها چیست؟ با این مواجه نشویم

که در یک مملکت در یکی از دولت‌ها گفتند که بحث اشتغال حل شده و تک‌رقمی شده؛ دیدیم که چطور حل شده این همه بیکار، گفتند که ما تعریف را عوض کردیم! هر کسی در هفته یک ساعت هم مشغول است او شاغل است. بنابراین یک دفعه پنج میلیون بیکار تبدیل شد به سیصدهزار! خب بالاخره در هفته یک ساعت کار را انجام می‌داد و یک پولی در بیاید و یک ارزشی را در زندگی خود ایجاد کند. این شکلی نشود قضیه ما. ما یکسری سنجه‌هایی را گذاشته‌ایم بدون اینکه مشخص کنیم این سنجه‌ها را چه‌طور تعیین کنیم و تحت چه شرایطی اندازه می‌گیریم. اصلا سنجه درست، وضع موجود ما در این سنجه چند است که شما وضع مقصود را نظر به آن تعیین کردید. فردا می‌خواهیم اندازه‌گیری کنیم. می‌خواهیم بگوییم که وزارت کشاورزی فلان پارامتر در کشور در سال ۱۴۰۲ عدد آن ده بوده، قرار بوده است در طی برنامه این را به چهل برسانید، پیشرفت هم قرار بوده طی سال‌های برنامه مساوی باشد، هفت درصد، هشت درصد در هر سال باید افزایش پیدا کند. دو لبه تیز ما را تهدید خواهد کرد، یکی اینکه عدد داده شده بسیار نزدیک به عدد وضع موجود است و در سال اول و دوم برنامه دستگاه مربوطه می‌گوید ما به هدف رسیدیم و انجام دادیم. الان هم جلوتر از برنامه پنج‌ساله است. لبه تیز دیگر این‌که باید پنج سال، که دستگاه مربوطه، کل پولی را که برایش گذاشته بودیم، هزینه کرده و نرسیده به این شاخص، می‌گوید وقتی شروع کردیم، عدد این بوده است، هیچ جایی در دنیا طی پنج سال با این همه وضعیت و مشکلاتی که در کشور داریم، امکان ندارد که از عدد ده به چهل برسد. چرا روز اول نگفتید؟ من نمی‌توانستم بگوییم، من در دولت بودم، من در فلان جا بودم. بنابراین برای اینکه برنامه‌مان منطقی شود،

بد نبود که گفته شود عدد وضع موجودمان این است و این را هم دستگاه مربوطه اعلام کرده، و پیشرفت باید اینقدر باشد. تا بفهمیم بعد از پنج سال منتظر چه چیزی باید باشیم؟ چنان‌که آقای دکتر گفتند، گفته شده که ۳۰ درصد برنامه ششم. در برنامه‌ریزها، چیزی که من خواندم، برنامه‌های توسعه ما حدوداً ۲۵ درصد تحقق پیدا کرده است. این عدد هم جای بحث دارد و من نمی‌خواهم راجع به آن بحث کنم.

از برنامه چهارم ما شبکه ملی اطلاعات داشتیم به‌عنوان اینترنت ملی، بعد برنامه پنجم، برنامه ششم و امروز برنامه هفتم هستیم. به‌زعم وزیر محترم ارتباطات، شصت درصد جلو رفته‌ایم. البته در سال ۹۸ گفته شده بود که هشتاد درصد، من عقب‌گرد نخواهم کرد و اصلاً دوست ندارم بحث را سیاسی کنم چون آدم سیاسی نیستم. شصت درصد را پذیرفتیم. در این برنامه، شبکه ملی اطلاعات، بند ۶۵ است. گفته شده است که در انتهای برنامه شصت می‌شود ۹۹ درصد. چرا ۹۹ درصد چون می‌گویند شبکه یک موجود زنده است و مرتب باید رشد کند، مثل انسان. انسان نمی‌تواند هیچ‌گاه بگوید که من از رشد متوقف شده‌ام تا زمانی که از این دنیا برود. البته حرف بدی نیست، اما شاید این طور نشان دادنش منطقی نبود. برنامه را نگاه کنید ببینید در شبکه ملی اطلاعات چیزهایی که ما از جهت برنامه راهبردی روی زمین داریم، یک سند راهبردی فضای مجازی داریم، مصوب شورای عالی است و ابلاغ شده توسط رئیس‌جمهور. در همین برنامه‌ها در جای‌جای آن اشاره شده که طبق سند راهبردی فضای مجازی. آنجا می‌گوید که اولویت‌های شبکه ملی اطلاعات پیام‌رسان‌های اجتماعی است. قبول است، به‌رغم اجباری



که به مردم کردیم، و هنوز خیلی‌ها در تلگرام و واتساپ و امثالهم حضور دارند و ما این حضور را نمی‌بینیم، چون نمی‌خواهیم ببینیم، خیلی‌ها اجباراً آمده‌اند در پیام‌رسان‌های داخلی. یعنی در پیام‌رسان‌های داخلی ما کار می‌کنند. چه درصدی و با چه شرایطی، راجع به آن امروز بحث نمی‌کنم. من خیلی ساده‌انگارانه و خیلی خوش‌بینانه به مسئله نگاه می‌کنم. همان‌جا گفته شده که شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های اجتماعی، خوب داریم و جلو می‌رویم. اما کنار این گفته شده است که، در شبکه ملی اطلاعات چیزی دیگری داریم به نام خدمات مراکز داده. خدماتی که لازم است مراکز داده ما که الان در وزارت ارتباطات به‌عنوان مراکز داده قطب روی آن بحث می‌کنند. روی این هم برنامه‌ریزی کردید؟ خیلی خوب است اما چرا در برنامه نیست؟ چون در آخر این برنامه در بند ۱۱۷ یا ۱۱۸ نوشته شده که خارج از برنامه هر اتفاقی، هر موضوعی بخواهد بیاید، یا باید مراحل قانونی مجلس و غیره را طی کند، یعنی برود بالا با برف سال بعد پایین بیاید، یا اینکه محکوم است به توقف. هر چیزی که در برنامه نیامده، راجع به آن حرف نخواهیم زد. مراکز داده و خدمات مراکز داده، مباحث اصلی ما در شبکه ملی اطلاعات است. به قول یکی از دوستان که ایجادکننده یکی از مراکز داده است، مراکز داده ما در اصل موتور تولید محتوا هستند. بهترین محتواها را شما تولید کنید، اگر مراکز داده لازم را نداشته باشید که نگهداری کند و به راحتی در اختیار بگذارد و با سهولت انتشار دهد، نزدیک مشتری باشد، هیچ اتفاقی در آنجا نخواهد افتاد. شما هر چه را هم تولید کنید مانند غذایی است که در آشپزخانه آماده شده و عالی است و اما مسیر لازم برای این که برسانید روی میز سرو ندارید. آدمی که این کار را بکند ندارید و آدم‌هایی که گرسنه‌اند و پشت میز

نشسته‌اند، پشت دستگاه و موبایل‌شان نشسته‌اند و منتظر این محتوا هستند، به آن دسترسی پیدا نمی‌کنند.

بحث بعدی از دستور کار خارج کردن مجموعه‌های مصوب است، مثل شورای عالی فضای مجازی، مثل مرکز ملی فضای مجازی. در اقتصاد رقومی که ماده ۶۶ در بند اول باز کرده است، گفته شده که وزارت ارتباطات، سند ملی هوش مصنوعی را ایجاد می‌کند در شش ماه اول و به هیئت وزیران می‌برد که تصویب شود. برنامه راهبردی فضای مجازی نوشته که نظام هوشمندی را گذاشته را نه سند ملی، که این دو تا با هم فرق می‌کنند و آن کسی که کلمه نظام را عوض کرده به سند، می‌فهمیده که چه کار می‌کند که فردا زیر سوال نرود. چون این سند امروز آماده است، از زعم آقایان. جایی هم که آماده است را من می‌دانم، دست بگذارم بگویم که این شش ماه می‌خواهد بیاید و بگوید که شش‌ماهه بود، من سه‌ماهه دادم. در این برنامه راهبردی نوشته که مسئول تصویب آن کمیسیون عالی تنظیم مقررات مرکز ملی است. هیئت وزیران کجایش بود؟ جسارت نمی‌کنم، اما هیئت وزیران ما که مجموعه تخصصی نیست. کار هوش مصنوعی یک کار تخصصی است، باید بیاید آنجا. به کمیسیون عالی تنظیم مقررات ببینید آنجا نمایندگان دستگاه‌ها نشسته‌اند. دستگاه‌هایی که ارتباط دارند. مرکز ملی را ایجاد کرده برای یک کار. نمی‌توانست بگوید دولت داریم و دولت خودش یک کاری بکند. کاملاً در حال فراموش کردن شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی هستیم. در هیچ‌جای برنامه به آن توجه جدی (وظایف نظارتی و کنترلی مرکز) نکردیم. اصلاً مرکز ملی به معنای واقعی وجود ندارد. جای دیگر اشاره می‌کنیم به مصوبه مجلس در بحث داده‌ها،

## دکتر عزیز نیف پور آقابیگلو

در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی، شوراهای عالی بازوان سیاستگذاری تخصصی رهبری هستند. به همان دلیل که رهبری انحصاراً وظیفه سیاستگذاری کلان کشور را دارد و دستگاه‌ها اعم از قوه مقننه و مجریه موظف‌اند طبق سیاست‌های کلانی که توسط ایشان ابلاغ می‌شود، اقدام به قانونگذاری، توسط مجلس، و همچنین برنامه‌ریزی و اجرا توسط دولت بپردازند، به همان میزان و دلیل، مصوبات و سیاستگذاری‌های شوراهای عالی باید بالاسر این دو تا مجموعه قرار بگیرد. به همین دلیل مثلاً احکام برنامه هفتم باید توسط شوراهای عالی مورد تأیید قرار بگیرد. اگر در ساختار برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور این خلأ وجود دارد و این سیستم درست طی نمی‌شود، بالاخره باید اصلاح شود و شوراهای عالی شأن مشورتی صرف ندارند. هر چند ظواهر برنامه نشان می‌دهد در این برنامه مشاوره درست هم از شوراهای عالی و مشخصاً شورای عالی فضای مجازی گرفته نشده است و در ادامه مصادیقش را عرض خواهیم کرد. اینکه آن سیاست‌های کلان که تدوین و ابلاغ می‌شود و بر اساسش قانون برنامه باید تهیه شود، آیا این قانون برنامه با آن سیاست‌های کلان تطبیق دارد یا نه، وظیفه این شوراهای تخصصی است. مشخصاً شورای عالی فضای مجازی باید از حیث تطبیق این قانون برنامه با سیاست‌های کلانی که ابلاغ شده باید ورود کند و به‌نظر من قبل از این که مجلس بررسی کند باید نظر بدهد. در نهایت مهر تأیید این که این برنامه در مسیر تحقق آن سیاست قرار دارد. یک محور کلی و مهم است.

کلان‌داده‌ها و اطلاعات ملی. آنجا گفته شده که شورای عالی و مرکز ملی این نقش‌ها را دارند و این مجموعه باید این‌طور باشد. بعد آنجا آمده‌ایم و به مصوبه اشاره می‌کنیم، اما هیچ‌وقت نگفتیم مرکز ملی وظیفه نظارت بر این کار را داری.

نکته آخر که در جای‌جای برنامه، یک‌سری جزیره‌هایی در دستگاه‌های مختلف ایجاد کردیم که خوشحال‌کننده است. برنامه در جاهای مختلفش نقطه گذاشته است برای بحث. اما این نقطه‌ها وقتی مؤثر واقع می‌شوند که یک نخ تسبیح اینها را به هم وصل کند.

مرکز ملی فضای مجازی با چه وظیفه‌ای؟ با وظیفه نظارت کلان، کنترل و مدیریت راهبردی فضای مجازی. که آقا شما داری زیادی جلو می‌روی، و شما چرا حرکت نمی‌کنی؟ شما باید اول حرکت می‌کردی، تا بقیه روی بستر شما حرکت کنند، این موضوع اصلاً در برنامه وجود ندارد. این برنامه اگر این نقاطش را برگردانیم، چیزهایی را که قبلاً مصوب شده خود رئیس‌جمهور محترم ابلاغ کرده. از شکلی و کلمه‌ای خارجش کنیم. امیدوارم این مسایل از روی فراموشی بوده باشد. امیدوارم از جهت این باشد که وقت نداشتیم و دیر شده بود، خیلی خوب است. اما خدای ناکرده برای این بوده باشد که مرکز ملی یک مسئله اضافی است و همه‌اش توی کار ما می‌پیچد، نمی‌گذارد ما هرچه دوست داریم بگوییم، ما هرچه دوست داریم برنامه‌ریزی کنیم، یا هر اتفاقی که ما گفتیم تأیید کنند، همه باید بگویند مورد تأیید است، و کسی نباید بیاید بگوید که اشتباه می‌کنی. مردم در این میان چه باید انجام دهند.

متاسفانه همیشه در شرایط خطیر و حساس کنونی هستیم. این برای ما خوب نیست. در همین سالن جلسات پژوهشگاه، سه یا چهار سال پیش یک نشست داشتیم در مورد تجربیات سایر کشورهای پیشرو که عمدتاً آینده نزدیک‌شان را سایبر- فیزیکی تعریف کرده بودند. خاطر من است که آقای دکتر کریمی قهرودی، گزارشی از برنامه سوسایتی پنج ژاپن ارائه نمودند، تجربه اینترنت پلاس چین را گفت، تجربه اینداستری چهار اتحادیه اروپا را گفت و سایر کشورها را گزارش مفصل داد. این پرسش مطرح شد که آینده نزدیک ما که نمی‌تواند سایبر فیزیکی نباشد، چگونه است؟ در باب برنامه ششم یک خاطره عرض کنم که من در آن زمان در مرکز ملی فضای مجازی بودم، احکام برنامه ششم را ما با رویکرد ساحت دوم حکمرانی جمهوری اسلامی آماده کردیم و این مقارن شد با تغییر ریاست مرکز ملی و استقرار تیم جدید و ما احکام را خدمت تیم جدید ارائه کردیم که در خلال بررسی برنامه ششم به دولت پیشنهاد بشود. یکی از مسولان مرکز به من گفت: که حوصله داری؟ بیکاری؟ چرا می‌خواهی مسئولیت مرکز را زیاد کنی و از این نوع تعابیر... ما قبلاً در برنامه ششم دعوا داشتیم که عبارت فناوری اطلاعات و ارتباطات که در یک محور ذکر شده باید اصلاح شود و باید بشود فضای مجازی. چرا که فضای مجازی عام‌تر از فناوری اطلاعات است. نگاه دیگر این بود که، فضای مجازی در تمام حوزه‌های راهبردی جمهوری اسلامی باید دلالت سیاستی - برنامه‌ای داشته باشد چرا که فضایی ذوابعاد است و تمامی شوون جامعه را دارد. آن زمان چالش در این حد بود و بزرگواران دولت و مجمع حرف ما را نپذیرفتند و در نهایت سیاست‌های کلان برنامه ششم، با عنوان فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ابلاغ شد و بر آن اساس قانون برنامه

تدوین شد. الان برمی‌گردم به برج شهریور سال ۱۴۰۱ که سیاست‌های کلان ابلاغ شده و در این سیاستها عنوان فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات کلا حذف شده است! یعنی ما یک عقبگرد عجیب داریم. فلذا در ارزیابی مشکل برنامه هفتم باید به هشت ماه قبل برگردیم و بررسی کنیم. در سیاستهای ابلاغی فضای مجازی را در عمدتاً در ذیل محور علمی، فنی، آموزشی آورده اند و این اوج فاجعه است که هسته مرکزی مرکزی نظام جمهوری اسلامی، فن‌آوری اطلاعات و فضای مجازی را برده ذیل محور علمی، فنی، آموزشی. ژاپن در جامعه پنج که ارائه میدهد فضای سایبرش مکمل فضای فیزیکی‌اش در یک رفت و برگشت جدی دوطرفه قرار دارد و بر اساس این مدل مفهومی برنامه ریزی میکند و واقعیت‌های میدان هم همین را می‌گوید. کسی نیست حوزه‌ای را مثال بزند که رابطه دوطرفه فضای مجازی و فیزیکی نداشته باشد. هر جا می‌روی از آموزش، دانشگاه، بازار مبل فروشی، کشاورزی همه با فضای مجازی درگیری دارند. در تمام این حوزه‌ها رابطه دوطرفه بین فضای سایبری و فیزیکی وجود دارد. ولی ما که در مواجهه روشمند با فضای مجازی جزء کشورهای پیش رو بوده‌ایم در سیاست‌های کلان برنامه هفتم فضای مجازی را اینگونه به محاق می‌بریم. حالا الان چه انتظاری از دولت دارید که برنامه‌ای را بیاورد که نگاه جامع را تامین کند؟

محور بعدی مشکل برنامه هفتم نداشتن نگاه جامع به فضای مجازی است. از سوی دیگر در احکام برنامه هفتم، بسیاری از احکام وجود دارند که تیز نیستند، کلیاتی‌اند که بلد بودیم. فارغ از آن عقبگردی که داشتیم و جای خودش جای بحث است. برنامه باید دقیقاً مشخص کند که چه

کسی چه کاری را با چه بودجه‌ای باید انجام دهد. جایی که گفته صدا و سیما، مسئول تنظیم‌گری صوتی و تصویری فراگیر، این را که همه می‌دانستیم ثم ماذا؟ برنامه باید تیز باشد تا تکلیف فلان دستگاه را مشخص کند که در ذیل این سیاست کلان دقیقاً چه کاری را با چه بودجه‌ای در چه زمان انجام بدهد. این مشکل در احکام برنامه در بخش فضای مجازی که دقت کردم به وفور دیده می‌شود. مواردی هم که وجود دارد عجیب‌اند. مثلاً پیشرفت ۹۹ درصد شبکه ملی اطلاعات که چرا ۹۸ درصد نه؟ یا ۹۷ درصد نه؟ در حالی که برای تحقق بندهای شبکه ملی اطلاعات باید احکام دقیق ذکر می‌شد. آن بحث به حاشیه رفتن شوراهای عالی که در مقدمه عرضم گفتم در این برنامه کلا کاری با مرکز ملی فضای مجازی و شورای عالی ندارند البته جز بحث‌های امنیتی که به خاطر مباحث خاصی که امنیتی‌ها خودشان بلد هستند، در برنامه نوشتند که موارد امنیتی‌اش با مرکز ملی فضای مجازی است. جالب اینکه وقتی مجلس محترم مشغول بررسی طرح صیانت بود عده‌ای به جد مدعی بودند که چون وظیفه سیاستگذاری فضای مجازی با شورای عالی مجازی است و مجلس نباید ورود کند ولی الان کاملاً خلاف آن رویه را می‌بینیم؛ این خوب نیست. کوتاه اینکه اگر شورای عالی و مرکز ملی را نمی‌خواهیم خب تعطیل کنیم. و این کارهای خوبی که جمهوری اسلامی می‌خواست انجام بدهد می‌دهیم مجلس یا همان شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی امنیت ملی یا وزارت ارتباطات انجام دهد. خیلی خیال‌شان راحت است که جایی به نام مرکز ملی فضای مجازی و شورای عالی هست که حکمرانی کلان فضای مجازی کشور را سیاستگذاری و راهبری می‌کند، ولی وقتی با برنامه هفتم مواجه می‌شویم

می‌بینیم اثر جدی‌ای از مرکز ملی نیست. کمی بیشتر می‌خواهم وارد جزئیات احکام بشوم. در فصل سیزده ماده ۶۴ که ۹۹ درصد شبکه ملی اطلاعات را عرض کردم، می‌دانیم که شورای عالی فضای مجازی مصوب کرده و در برنامه‌اش است، الان برای پیشرفت شبکه ملی اطلاعات آیا دولت نیازمند هیچ حکمی نیست که دقیقاً بگوید چه کسی چه کاری باید بکند و با چه هزینه‌ای؟ مثلاً تحقق اهداف لایه خدمات پایه کاربردی یا بحث سیستم عامل نیاز به حکم ندارد؟ یا به قول شما اگر بخش خصوصی برای اجرای برخی موارد ورود نکرد، دولت نباید هیچ کاری را انجام بدهد؟ یک گریزی بزنم اینکه نگاه حکمرانی خوب (good governance) به صورت ناشیانه‌ای در برنامه هفتم موج می‌زند! یک اتفاق پنهان و عجیب و غریب در کشور ما افتاده که در یک دهه گذشته خصوصاً با یک فرآیند تدریجی و پنهان ادبیات گودگاورننس ذهن غالب مسئولان کشور را تصرف کرده است. بسیاری کلمه خوب (good) را در عبارت حکمرانی خوب، به معنای صفت این الگوی حکمرانی گرفته‌اند در حالی که این یک عبارت خاص است و پسوند خوب به معنای صفت واقعی‌اش نیست. گودگاورننس یک ترکیب یا عبارت خاص است که برای یک نوع از الگوی حکمرانی. پرسش این است که آیا این الگوی حکمرانی متناسب با حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی است؟ دوم این که چه تبعاتی دارد که ما حواس مان بهش نیست؟ این سوالات بی‌پاسخ است که خیلی راحت از کنارش رد شدیم. گودگاورننس با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی که بر اساس آن جمهوری اسلامی شکل گرفته است، مغایرت دارد. صریح حرف می‌زنم و با هر کسی می‌توانم در این مطلب مناظره کنم. البته گودگاورننس چیزهای خوبی هم

دارد و هیچ نظریه‌ای که صددرصد بد نیست. مثلاً فلسفه تکنولوژی مارکس انصافاً بصیرت‌های خوبی به ما در مواجهه با تکنولوژی می‌دهد، ولی ما هیچ‌وقت نظریه مارکس را به‌عنوان نظریه و الگوی کشور اقتباس نمی‌کنیم. گودگاورننس چیزهای خوبی دارد که بعضاً نیاز امروز کشور ما هست، ولی آیا این می‌تواند چارچوب نظری حکمرانی جمهوری اسلامی و مشخصاً فضای مجازی باشد؟ مطمئناً نه. حداقل اشکال الگوی حکمرانی خوب، این است که وابستگی ما به جریان استعمار مجازی را تأمین می‌کند و اتفاقاً یکی از مهمترین اهداف پنهان و کارکردی‌اش همین است. وقتی شما شأن سیاستگذارانه متولی‌گرایانه خودت را کلاً فراموش می‌کنید در برنامه هفتم و فقط شأن تنظیم‌گرانه برای خودت قائل می‌شوی، این یکی از لک و پیس‌های ناشی از نگاه گودگاورنسی به حکمرانی‌ات است. اگر بخش خصوصی حاضر نبود و یا نخواست برنامه‌ها و اولویت‌های شما را به پیش ببرد چه می‌کنید؟

در بخش خصوصی ما، یک غول‌هایی از این طرف یا آن طرف آمده‌اند و چنبره زده‌اند بر حوزه خصوصی و آن منویات کلان‌گفتمان سیاسی - اقتصادی خودشان را دنبال می‌کنند و شبکه‌سازی می‌کنند و شما انتظار دارید این شبکه‌ها بیایند منویات و اهداف کلان برنامه تو را توسعه بدهند؟ اگر نکردند چه؟ و شما صرفاً می‌گویید که من کلاً کنار می‌ایستم و آقایان بخش خصوصی بیایند و برنامه‌ها و اهداف من را انجام بدهید و من بین‌تان می‌ایستم و صرفاً تنظیم‌گری می‌کنم. دوباره تکرار می‌کنم که گودگاورننس چارچوب نظری حکمرانی جمهوری اسلامی نیست و متأسفانه آدم‌هایی با چهره‌هایی بسیار موجه و مومن که

اکثراً مهندسين باهوشی هستند که رفته‌اند و تکنیک‌های تنظیم‌گری را یاد گرفته‌اند و این تکنیک‌های تنظیم‌گری در کمترین زمان ممکن با بیشترین اشراف، یک تسلطی در سطح به شما ارائه می‌دهد. این خیلی جذاب است برای خیلی از مدیران جمهوری اسلامی. ولی جهتی که شما را می‌برد و سمت و سوی که به فعالیت‌های شما می‌بخشد، یا نظمی که به شما می‌دهد، توسط علم مهندسی و هوش تکنیکی قابلیت ارزیابی ندارد و در دام آن چیزی می‌افتد که آقای دکتر مشایخی در سخنرانی‌اش اشاره دارد یعنی تکنوکراسی! من اخیراً فیلم سخنرانی‌ای از دکتر مشایخی در امریکا دیدم که می‌گوید که ما در سازمان برنامه و بودجه، مرکزی را ایجاد کردیم برای توسعه نگاه تکنوکراتیک در ایران، بعد دیدیم آنجا ثباتش پایین است، رفتیم به دانشگاه صنعتی شریف و آنجا دانشکده فلان را راه انداختیم. یعنی همان چیزی که من گفتم. مهندسين باهوش را جمع می‌کنند و عموماً هم آدم‌های حزب‌اللهی، مذهبی و انقلابی و به آنها تکنیک‌های تنظیم‌گری در سطح را — که نظم قدرتمند در سطح را ارائه می‌دهد — آموزش می‌دهند بعد سوق می‌دهند به داخل ساختار جمهوری اسلامی و همه‌جا هم می‌روند و الان در اقتصاد، فرهنگ، فضای مجازی و ... حضور جدی دارند و دارند تند تند تنظیم‌گری می‌خوانند و تکنیک‌های تنظیم‌گری یاد می‌دهند و یک آدمی پیدا نمی‌شود که بپرسد در تنظیمی که داری انجام می‌دهی، جهت‌گیری اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی کجاست؟ و در مقابل این پرسش پاسخی ندارند چون سوادش را ندارند. فراتر از این بحران جمهوری اسلامی این است که از اول انقلاب تا حالا، مراکز سیاستگذاری مهم کشور دست مهندسان و پزشکان داده است .

بحثم را ادامه بدهم که در ماده ۶۶ اشاره شده که سند اقتصاد رقومی باید بعد از شش ماه از این برنامه، تدوین بشود. تدوین این سند اگر به همین راحتی بود، چرا انجام ندادند و احکامش را اینجا بیاورند؟ از این موارد الا ماشاءالله در این سند وجود دارد. در سند برنامه نوشته شده "در رعایت سند راهبردی مجازی" ... کلمه رعایت یعنی چی؟ یعنی از کنارش رد شویم بهش سلام کنیم؟ نکته این است که اگر رعایت معنایش این است که در ذیل سیاست‌ها و برنامه‌های آن سند باید نوشته بشود، خب صریح بگوییم. اگر قرار است نوشته نشود، آقا تعارف نکنیم. بدون تعارف عرض میکنم که رخدادهای سال گذشته یک مقدار زیادش ناشی از رفتارهای ناکارآمد ما در طی این حکمرانی چهل ساله مان بوده است. با یکدیگر تعارف کردیم. این رخدادهای که رخ می‌داد، هزینه می‌دادیم، شهید می‌دادیم، کتک می‌خوردیم، فحش می‌خوردیم، هنوز هم این اتفاقات دارد می‌افتد. من جایی گفتم به نظر من اینها از یک بعدی فرصت هم هست. فرصت اینکه یک بار از تعارف بیاییم بیرون، مدیری که ناکارآمد است و تعهدی به کلیت انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ندارد از او خداحافظی کنیم. البته تفسیر انقلاب اسلامی الان از لحاظ سیاست و برنامه رهبری است و نه کس دیگر. الان نهادهای انتصابی ما را که مرور می‌کنید، با افرادی برخورد می‌کنید که یا فهم درستی از موضوع ندارند، یا تعهد کافی ندارند، یا حال انجام ندارند. (خداوند به خارجی‌ها و غربی‌ها لطف نمی‌کند که پیشرفت می‌کنند، خداوند سنتش این است که هر کسی کار کرد و تلاش کرد و شبانه‌روز نخواهد و فعالیت کرد و با خودش تعارف نکرد خدا بهش برکت می‌دهد و توسعه پیدا می‌کند. جامعه‌ای که سستی کند، تنبلی کند خدا می‌گوید خودت خواستی دیگر).

مطلب دیگر اینکه این سند بالفرض آماده شد چرا باید به تصویب هیئت وزیران برسد؟ همین این که موضوع تخصصی است و نهاد صالح برای تصویب آن شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی است. آقای دکتر آقامیری بزرگوار ایشان باید این حرف‌ها را بگوید. آقا بالاخره من اینجا چه کاره هستم؟ شما چرا از من عبور می‌کنی به همین راحتی .

در همان ماده ۶۶ اشاره شده که دسترسی به داده‌ها محدود است به وزارت ارتباطات، خیلی از دستگاه‌های ما هستند که داده‌های بسیار زیادی دارند. اصولاً در برنامه هفتم باید برای داده‌های کل دستگاه‌های کشور فکر درستی بشود و محدود شدن به داده‌های وزارت ارتباطات ناقص است. عین بند این است: وزارت ارتباطات، فن‌آوری و اطلاعات مکلف است با رعایت قانون مدیریت داده‌ها، به منظور فراهم کردن و تسریع نوآوری مبتنی بر داده‌ها در خدمات و محصولات دسترسی کسب و کارهای رقوم داده‌ها و اطلاعات خود را با حفظ امنیت و حریم خصوصی فراهم نمایند. چرا فقط وزارت ارتباطات؟ بقیه دستگاه‌ها این داده‌ها را ندارند؟ آنها هم مشمول این قضیه هستند. وقتی می‌گویم نگاه جزیره‌ای داریم و نگاه جامع به فضای مجازی نداریم، این نمونه‌اش است.

*دکتر احسان کیان‌فواه*

معمولاً در کشور هدف و تصویر ملموس از آینده که قرار است حکمرانی با ایجاد انسجام رویه‌ای و برنامه‌ای به آن دست‌یابد، دیده نشده است. تصویرسازی از آینده ایجاد کننده شوق درونی جامعه برای تحقق آینده هنجاری تصویر شده است. وقتی از حکمرانی سایبری جمهوری

اسلامی صحبت می‌کنیم یعنی مبتنی بر انقلاب اسلامی هم هدف و چشم‌انداز ترسیم کنیم و هم به آن سمت حرکت کنیم. شورای عالی فضای مجازی مشخص نکرده که سایبر در اتمسفر ایرانی اسلامی قرار است چه باشد و چه نباشد. ارزش‌ها محقق‌کننده‌ای این نقطه‌ی متمایز هستند. از طرفی پیرو صحبت آقای دکتر نجف‌پور باید معماری روابط بین سه شوراها را عالی که سه موضوع کلیدی امنیت، فرهنگ و فضای مجازی را هدایت و جهت‌دهی می‌کند و نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام مشخص شود. فضای مجازی، فضای زیست و فضای حرکت انسان برای اقتصاد و سیاست و فرهنگ است. به‌رغم اینکه خیلی هوشمندانه این سه شورا تعیین شده است، اما نقش آن‌ها در قانون‌گذاری مشخص نیست. جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام و هیئت نظارت مجمع برای شورای نگهبان تعیین شده است. در این میان شورای عالی فضای مجازی ابزار لازم برای کنترل سیاست‌ها و مصوبات خود در فرایند قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری ندارد. نظام باید چارچوبی را برای نقش‌آفرینی رویکرد شورایی در طراحی و کنترل سیاست‌ها پیدا کند.

در فصل ۱۵ لایحه برنامه هفتم توسعه، محوریت با بحث ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه است. اهداف فرهنگی مشخص شده در ابتدای فصل ۱۵ همه موارد کمی هستند. تعداد رسانه‌ها و تعداد صدور پروانه‌ها و موسسات و تعداد هنرجویان و تعداد فیلم و تعداد موسسات فرهنگی کمی هستند. در این فصل در ماده ۷۶ گفته شده، «به‌منظور حمایت از تولید محتوا در حوزه فضای مجازی با رویکرد گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی ایرانی و مواجهه مؤثر

با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان اقدامات زیر انجام می‌گیرد» سوال اول اینکه چگونه اهداف بالا توانایی ارزیابی و سنجش این اهداف کلیدی و مهم را دارد. برای سنجش این مهم آیا با سنجش‌های کمی می‌توان تحقق این ماده را بررسی و اصلاح مسیر انجام داد. از طرفی اقدامات ذیل این ماده که باید تسهیل‌کننده تولید محتوای فاخر باشد به بحث تنظیم‌گری محتوا پرداخته است. انگار همه‌ی بحث حل چالش بین وزارت ارشاد و صدا و سیماست. اینکه روش و معیار ارزیابی از محتوای فاخر چگونه باشد، توجه نشده است. خوب این چالش را که شورای عالی انقلاب فرهنگی که حل کرد چه نیاز به برنامه هفتم توسعه است. در این ماده اشاره نشده چگونه باید از محتوای فاخر حمایت کنیم، این نشان‌دهنده‌ی ناپختگی شدید در تنظیم برنامه است و نگرش صرفاً مهندسی را به‌خوبی می‌توان احساس کرد. با کمی‌گرا نمی‌توان این مباحث به شدت کیفی را ارزیابی کرد.

نکته‌ی بعدی در مورد امنیت و حریم خصوصی است که در سیاست‌های ابلاغی برنامه هفتم توسعه نیز به این مورد اشاره شده است که زیرساخت‌ها باید امن و تاب‌آور باشد و نیز قدرت سایبر نیز در تراز جهانی باشد. متأسفانه همچنان در بحث امنیت ساختارهای ناکارآمد اصلاح نشده است. این ساختارها پیشگیری‌های لازم را در برابر تهدیدات سایبری گسترده و پیچیده‌ی روز افزون نداشته است. در بخش دولتی و نیمه دولتی، سرورها مستقیماً به شبکه‌ها وصل است موانع امنیتی تا مراکز داده حیاتی وجود ندارد. هر چه پیش می‌رویم حوزه توفیق سایبری بیشتر می‌شود و رفتارها و رویه‌ها مبتنی بر فناوری اطلاعات توسعه می‌یابد و ساختارهای امن‌سازی و کنترل امنیت و حریم خصوصی

به توجه بیشتری نیاز دارد. ساختارهای موجود کارایی لازم را ندارد. باید با ارتقاء بودجه و نگهداشت نیروی انسانی متخصص استحکام لازم را برای زیرساخت حیاتی کشور فراهم نمود.

دکتر عباس آسوشه

بعضی‌ها فکر می‌کنند مصوبات شورای عالی فضای مجازی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل اجرا نیست و باید برود مجلس و قانون بشود، یک بندی داشت حکم اول آقا که مصوبات این شورا ترتیب اثر قانونی داده بشود. در معاونت تنظیم مقررات این موضوع مورد بررسی قرار دادیم، چه راه‌های می‌شود برای ترتیب اثر قانونی. یکی از راه‌های اساسی و کلیدی این است که رئیس محترم مجلس برای چه عضو چنین شورایی است؟ برای چه مصوبات این شورا ابلاغ می‌شود به مجلس؟ یکی از دلایل این می‌تواند باشد که مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های دارد، مصوبات اگر نیاز دارند به مصوبات قانونی، در آن مجموعه طرح شود. مجلس محترم چون دید کار انجام نمی‌شود و از جهت دلسوزی و احساس وظیفه خودش ورود کرد در تصویب کردن موارد و مسایلی که کاملاً تخصصی است و باید می‌آمد در شورای عالی فضای مجازی مصوب می‌شد، نباید می‌آمد در صحن مجلس و با گرایش‌ها و شرایطی که در مجلس وجود دارد به آن پرداخته می‌شد.

شبکه ملی اطلاعات که آقای دکتر گفتند من ندیدم، دقیقاً بند اول شبکه ملی فکر می‌کنم، می‌گوید که با کمک بخش خصوصی یک بخش کوچک ارتباطات دستگاه‌ها را به شبکه ملی اطلاعات وصل کنید. در دولت قبل مرکز

ملی فضای مجازی کلی تلاش کرد و زحمت کشید، تا به دوستان بفهمانند که شبکه ملی اطلاعات خلاصه نمی‌شود به دسترسی و ارتباطات، بلکه یک‌سری خدماتی در شبکه وجود دارد که اگر آنها ایجاد نشود، هرچند بخش‌های دسترسی و مسائل اینگونه‌ای را ایجاد کرده باشید، به کارتان نمی‌آید. مثال هم همیشه می‌زنم در همان زمان در یک مقطعی گوگل قطع شد به عنوان یک موتور جستجو. ما موتور جستجوی ثانویه‌ای هم نداشتیم، شبکه وصل بود اما اگر آدرس سایت مجموعه را می‌زدید می‌آمد اما چون افراد شبکه، کل دنیا، می‌خواهند وارد شبکه شوند از یک موتور جستجو شروع می‌کنند، چون موتور جستجو بالا نمی‌آمد، با قریب به اتفاق کاربران شبکه که صحبت می‌کردیم، می‌گفتند شبکه قطع است. شبکه‌ای که فقط دسترسی دارد مربوط به سی سال پیش است نه امروز. امروز در شبکه ملی اطلاعات سرویس مهم است. موقعی که درصد پیشرفت شبکه را هشتاد درصد گرفتند، اعضای محترم حقیقی شورا، واقعا تلاش بسیار زیادی کردند که توی جلسه شورا خط بکشند که ما فقط بحث ارتباطات و دسترسی و کانکشن را نداریم، بلکه خدمات شبکه و مدیریت ترافیک شبکه امروز بسیار مهم‌تر از آن است که شما بگویید من اتوبان را زده‌ام دیگر خودتان می‌دانید، هر چه می‌خواهید در این اتوبان بیندازید. اصلاً اینجوری نیست. در ساختارهای مصوب که در سال ۱۳۹۲، ۹۶ و ۹۸ مصوب شده درباره شبکه ملی، وجود دارد. احساس اینجوری است که فراموشی یا آلزایمر، وقتی آلزایمر در ذهنم می‌آید، آیه قرآن به ذهنم می‌آید که خدا می‌گوید ما شما را خلق کردیم و یک‌سری چیزهایی یاد گرفتید، یک زمانی می‌رسد که آنها را یادتان نمی‌آید. امیدوارم واقعا فراموشی اتفاق افتاده باشد برای دوستان. نه اینکه خودشان



را به این زده باشند که ولش کن و چیزهایی که بوده به درد نمی‌خورد و اینکه ما می‌گوییم خوب است. هر کسی که بخواهد این کار را کند، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. قبل از اینکه نظام کاربری هوش مصنوعی و نظام اقتصاد دیجیتال را ایجاد کنیم، داریم تقسیم کار می‌کنیم. هنوز اصلا ایجاد نشده. طبق سند برنامه راهبردی فضای مجازی که مصوب شورا است و ابلاغ شده توسط ریاست محترم جمهوری.

از کلیدواژه‌های حکمرانی دوستان خیلی استفاده کردند. ما انواع حکمرانی داریم، حکمرانی‌های شبکه‌ای، تعاملی، سکویی. دنیا همه اینها را کنار می‌گذارد و به سراغ جامعه سکویی (پلتفرم سوسایتی) می‌رود، یعنی یک جامعه یک‌پارچه، یک‌نواخت، هم‌نوا و هم‌راستا. اصلا نمی‌شود غیر از این هم‌راستایی و هم‌نوایی فکر کرد. شما کجای برنامه یکپنچین رایحه‌ای را می‌توانید استشمام کنید. چه کسی در این برنامه وجود دارد که داعیه‌دار این مسئله باشد. می‌گویید مرکز ملی باید به وظایفش عمل کند. خیلی خوب است اما مرکز ملی را که در برنامه و اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ در کشور افتاد، مرکز ملی تا اواسط یا اواخر اتفاقات حتی به شورای شاک (شورای امنیت کشور) دعوت هم نمی‌شد، بیشترین جریان‌ها در فضای مجازی داشت اتفاق می‌افتاد. خط‌دهی‌ها آنجا اتفاق می‌افتاد، آتش اولیه را آنجا می‌زدند، اما رئیس مرکز ملی اصلا صدا دعوت نمی‌شد. بعد که همه دیدند یک‌جای دیگر است، حضرت آقا گفت این جنگ، جنگ ترکیبی است، آقایان تازه از خواب بیدار شدند. ظاهرا فراموشی چیز متداول است بین مسئولین محترم در کشورمان. هر چیزی را که دوست ندارند، فراموشش می‌کنند.

بحث دیگر، مجوز وزارت ارتباطات است. یک مجوز خیلی خفنی گرفته وزارت ارتباطات که همیشه ما دوست داشتیم این اتفاق بیفتد البته تحت کنترل و نظارت. این دفعه تحت کنترل و نظارت نیست، در ماده شصت و پنج گفته که هر وقت وزارت ارتباطات اعلام کرد دستگاه‌های اجرایی، همه زیرساخت‌ها، ابنیه و امکانات زیر ساختی، دکل‌ها و فلان و بهمان را باید در اختیار بگذارند. طرف ایجاد کرده، من مشکلی ندارم، اما مجوز باز دادن، سبب می‌شود ساختار از هم بپاشد. طبیعتا شما مجموعه‌های مقابل را می‌آورید که گوش ندهند. ما چرا می‌گوییم برنامه‌های قبلی‌مان ۲۵ درصد اجرا شده. پول کمتر خرج کردیم؟ یعنی جایی شده بگوییم در برنامه‌ای قرار بوده مثلا یک همت خرج کنید، دو دهمش خرج شده، اگر قرار بوده یک همت خرج کنید، یک و نیم خرج کردید. ۲۵ درصد، چرا؟ چون برنامه را این طوری می‌نویسید.

راجع به سنجه‌ها، سنجه در برنامه که قابل اندازه‌گیری باشد خیلی خوب است. این که سنجه را بدهیم بیست درصد، پنج درصد، این هم چیز بدی نیست. بد آنجاست که ما نمی‌گوییم، این را به چه شکل اندازه‌گیری می‌کنیم. بنابراین وقتی می‌گوییم تعداد مؤسسات فرهنگی فعال پنج هزار، فعال یعنی چی؟ یعنی باید بودجه بخورد؟ این می‌شود فعال؟ یا اثرگذاری داشته باشد؟ این سنجه پنج هزار تا خوب است، به شرط اینکه این پنج هزار تا یک دیگ را گرم کنند. وقتی کاری به آن دیگ نداریم و به تعداد دیگ گرم نمی‌شود. قرار نیست به اهدافی برسیم، قرار است پول خرج کنیم و پول هم خوب خرج می‌کنیم. بنابراین پنج هزار تا که هیچ، ما به ده هزار رسیدیم. الان اینها فعال‌اند. به‌طور جدی اگر به سنجه‌ها نمی‌خواهیم دست بزنیم،

حداقل روش اندازه‌گیری آن را یک سند مکمل به این سند بدهیم .

قوه قضائیه که گفتم متوسط زمان دادرسی این قدر روز بشود، این را این‌جوری اندازه‌گیری می‌کنند. اختصاص پرونده به قاضی به این شکل باید باشد، این‌جوری اندازه‌گیری می‌کنند که فردا بگوییم چه‌طور شد، بگویند درست شده همان که شما گفتید، تازه بهتر هم است. با چه ملاکی؟ مردمی که دارند سرویس می‌گیرند، چه می‌گویند، مهم نیست. در دولت قبل به وزیر مربوطه ارتباطات گفتم. وزیر دوره اول آقای روحانی گفت که شبکه ملی دو مرحله‌اش تمام شده، مرحله سوم تا آخر دوره اول ریاست‌جمهوری قبلی، تمام می‌شود. گفتم آقا من خودم به عنوان یک استفاده‌کننده رفتم در یکی از مراکز سرویس‌دهنده به من این‌جوری می‌گوید. نگاه کرد و گفت که شاید شما جای بدی رفتی و شما را می‌شناختند و خواستند که اذیت‌تان کنند. دبیر همان جلسه گفت من آخر هفته رفتم شهرمان، یک ایمیل می‌خواستم ارسال کنم، گذاشتم دو نصف شب ارسال کردم. ایشان گفت که شاید شما رفتی جایی که نداشتند. دبیر جلسه که مدافع طرح مرحله دوم و سوم است. ما برنامه می‌نویسیم اما اگر آدم‌های مان را برنامه‌ای نکنیم، و آدم‌ها به این قائل شوند که هر حرفی دوست داشتند بزنند، هر کاری دوست داشتند بکنند و کسی هم جرأت نکند بهشان بگوید، بالای چشم‌تان ابرو است، چرا؟ چون این مجموعه با دولت وقت حرکت می‌کند و اگر شما می‌خواهید این اتفاق بیفتد یا نیفتد به این آقا نباید بگویید بنشین آن طرف‌تر. برنامه را درست کنیم اما اگر آدم‌های مان این روحیه و این نوع تفکر را داشته باشند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. فرهنگ سازمانی،

فرهنگ مدیریت ما خیلی مهم است به جهت مسائل کاری.

من دوست دارم این‌جوری نگاه کنم که برنامه قابل اصلاح است. حرف‌های آقای دکتر کیانخواه و نجف‌پور کاملاً منطقی است و یک کار بلندمدت است. ان‌شاءالله کسانی که باید بشنوند و کسانی که باید خودشان را مسئول بدانند، به این نکات که دوستان من گفتند دقت کنند اگر می‌خواهند تحولی اتفاق بیفتد .

در برنامه هفتم توسعه، قابل اصلاح است و می‌شود ترکیبات را طوری اصلاح کرد که برنامه از حالت سردرگمی و غیرقابل کنترل و غیرقابل نظارت بودن خارج شود و بر اساس فرمایشات و منویات حضرت آقا اتفاق بیفتد، فقط شعار ندهیم و واقعاً پشت رهبری قرار بگیریم. بر اساس حرکت‌ها و خواست ایشان حرکت کنیم، این کار عملی است. فقط کافی است که بپذیریم و احساس نکنیم که اگر این کار را بکنیم بد است، و دولت تلاش لازم و وقت لازم را روی برنامه نگذاشته و فلان نکرده، دوستانی که توجه می‌کنند اگر دست‌شان می‌رسد و نکنند، یک روزی که در قرآن می‌گوید آن روز قطعاً خواهد آمد، خواهد آمد آن روزی که از ما سوال خواهد شد در مورد مسئولیت‌های مان و نوع نگاه مان .

*دکتر عزیز نجف‌پور آقابیلگو*

به مسوولان و نخبگان می‌گوئیم چرا به سمت گودگاورننس رفتید. این نقد، نقد درستی هم است و بحثی سر آن نیست. ولی چه باید بکنیم را روشن نکرده‌ایم. در سال ۸۹ رهبری در بحث ضرورت تحول علوم انسانی راهکار را گفتند. الان تقریباً ۱۳ سال از آن ابلاغیه ضرورت

تحول علوم انسانی گذشته و قرار بوده که برای تحول علوم انسانی و اجتماعی موجود و تولید نظریات متناسب با شاخص‌های بومی اقدامی بشود و مثلا به نیاز امروز دولت پاسخ بدهند که اگر دولت پرسید در باب مواجهه با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و بحث حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی به من نظریه و الگو بدهید عده‌ای بدین پرسش پاسخ روشن بتوانند بدهند. واقعیت این است که ما در بعد اثباتی‌اش هم درست کار نکردیم. آن نکته‌ای که عرض کردم وضعیت امروز ما یک مقدار زیادش ماحصل این چند دهه تعارف و کم‌کاری‌اش است. مصداقش اینجاست. الان در اقتصاد، فرهنگ، حوزه حکمرانی، مواجهه با فن‌آوری و سایر حوزه‌ها اندیشه و نظریه علمی که بتواند وضع موجود را تبیین و تحلیل کند و تجویز کند البته با رویکرد و مبنای دینی بسیار کم داریم. این کم‌کاری اول و آخر مسئولین مشخصا حوزه شورای انقلاب فرهنگی و شورای تحول علوم انسانی است. آقایان باید پاسخ بدهند امروز که در طی ۱۳ سال گذشته برای پاسخ به آن جوانان مهندسی که توسط آن امثال دکتر مشایخی تکنوکرات می‌شوند، چه نظریه بدیلی روی میز گذاشته‌اند؟

در بررسی جزئی‌تر بندهای برنامه بیشتر ورود کنم. در ماده ۷۷ گفته شده که "به منظور تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی برای گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی ایرانی و مواجه موثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان و ایجاد تحول در محتوا رویکرد و سازوکار یک، الف، سازمان صدا و سیما مکلف است به تولید و پخش محتوای هویت‌محور" ... خب این را که می‌دانستیم. می‌گویم تیز نیست و تاثیری ندارد خنثی است، مثالش این است. یا آقایان برنامه‌ای ندارند، که این جوری نوشته‌اند و

یا برنامه‌ای دارند و نمی‌خواهند بگویند الان و صرفا یک تایید کلی می‌خواهند بگیرند و بروند کار خودشان را بکنند و مثلا به تربیت و تقویت سلبریتی‌های بی‌هویت اهتمام بورزند. طرف می‌خواهد کار خودش را بکند، یک چیزی می‌نویسد و تصویب هم می‌شود. مجلس ما هم مجلس عوام است و متوجه نمی‌شود. یک اصلاح ساختاری جدی می‌طلبد. من منکر مجلس عوام نیستم. ولی مجلس عوام از آن حیث که عوام است، توان تخصصی کافی برای ارزیابی و تصویب موارد تخصصی را ندارد. من نمی‌گویم که اینها نباید باشند، فکری کنید برای حل این مسئله. غربی‌ها هم بالاخره فکریایی کردند، تدابیری کردند برای این مطلب. حداقل این است که در این بندها مثلا مصوبه و یا تایید شوراها عالی تخصصی را بگیرند این مطلب بهتر تامین می‌شود.

محور بعدی، در فصل ۱۹ برنامه است که کلیت فضای مجازی تقریبا غایب است. من گفتم که فضای مجازی را اگر ما در تمام حوزه‌های زیستی‌مان واجد دلالت بدانیم، باید در فصل ۱۹ هم اثری از آن پیدا کنیم. فصل ۱۹ در بحث ارتقای نظام آموزشی تقریبا غایب است. مثلا شما مصوبه مهمی داشتید در شورای انقلاب فرهنگی تحت عنوان سکوه‌های یکپارچه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، تربیتی، خب این کجاست در حوزه آموزشی؟ بحث تولید محتوا غافل است در این فصل، بحث سواد مجازی نیست. بحث تنظیم‌گری محتوا در مدارس نیست. بعد از دوران کرونا دیگر خصوصا کودکان و نوجوانان به شدت در عالم مجازی زیست می‌کنند. این که من برای اینها سکوه‌های متناسب و قابل تنظیم و دو محتوای متناسب و سه بتوانم در یک اکوسیستم دور هم جمع بکنم و اینها را به آن سمت

سوق بدهم، این موضوع اولیت‌دار نظام آموزشی من است. این مسئله خیلی تیز جمهوری اسلامی است که در فصل نوزده باید مورد توجه قرار می‌گرفت که اصلاً اثری از آن وجود ندارد. یا بحث توانمندسازی معلمان و والدین در حوزه حضور مجازی‌شان در این بند وجود ندارد. همین مشکل در بحث فصل بیست هم است. در فصل بیست، فضای مجازی به آن جامعیت که عرض کردم غایب است. آنجا که بحث ارتقای نظام علمی، فن‌آوری، پژوهشی می‌پردازد، آنجا باز هم غیبت جدی وجود دارد. مثالش اینکه در سیاست‌های ابلاغی دور اول شورای عالی فضای مجازی یک بند مهمی داریم برای تربیت متخصص در حوزه‌ها و ابعاد فضای مجازی. این موضوع مهم است. الان ما با یک مهاجرت جدی در حوزه برنامه‌نویس‌ها در کشور مواجه هستیم. بحران داریم در آینده نزدیک. در دنیایی که به قول حضرت آقا دوران کوانتوم و هوش مصنوعی است، شما متخصص لازم دارید تا بتواند کوانتوم و هوش مصنوعی را توسعه بدهد. اینها به خاطر فاصله دلار و ریال یا فریلنسری کار می‌کنند یا مهاجرت کردند. شما برای تامین این خلأ چه برنامه‌ای دارید؟ برای حل این مسائله ساده و تیزی که عرض کردم، مهاجرت برنامه‌نویس‌ها را گفتم که بحران جدی داریم و گزارش امنیتی می‌خواندند و من گوش می‌کردم، الان بحران جدی در این حوزه داریم، ولی در این برنامه هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. برای ارتقای نظام علمی، فن‌آوری، پژوهشی که خدمت‌تان عرض کردم در فصل بیست است، آنجا دوباره غیبت سکوه‌های یکپارچه وجود دارد. مصوبه شورای انقلاب فرهنگی که حضور ذهن دارند که در دوران کرونا چنین سکوهایی را مصوب کرد. بحث آموزش مجازی را هر چه دقت کردم چیز مشخصی که به آن اشاره کرده باشد،

ندیدم. بخواهیم یا نخواهیم ما با آموزش آمیخته در کشور مواجهیم. در محور بیستم، یک اشاره کرده و گفته که آموزش بین‌المللی الکترونیکی. اما در بندها هر چه جستجو کردم، اثری از آن پیدا نکردم که بالاخره چه دلالتی در احکام دارد اما پیدا نکردم. در ماده ۱۰۲، نوشته که در باب قدرت سایبری دستگاه‌ها با مرکز ملی همکاری کنند، همین. باید در قانون برنامه بالاخره چه کاری، توسط چه کسی با چه مبلغی؟ فردا وزیر ارتباطات یا وزارت ارشاد و ... اعلام می‌کند که می‌خواهد در این موضوع با مرکز ملی همکاری کند. بعد مرکز ملی پاسخ داد که این کار را انجام بدهید. پاسخ خواهد آمد که من در این کار جدید ردیف بودجه ندارم! این بوده‌ها. این بوده مکرر. به وزیر محترم علوم می‌گفتند در شورای عالی انقلاب فرهنگی فلان کار را بکنید، می‌گفت در برنامه بودجه مصوب که ابلاغ من شده است، این وجود ندارد. منبعش پیش‌بینی نشده است.

من سعی می‌کنم نظام مجازی کشور را با آن سه لایه‌ای پایه، عملیاتی و ارزش افزوده بررسی کنم اجمالاً. در مورد سرویس‌های پایه که تکلیف‌مان مشخص است ولی آیا در برنامه هفتم توسعه نسبت به شناسایی سرویس‌های اپرشنال کشور و همچنین برای اجرایی‌شدن آن فکری شده است؟ من فکر می‌کنم نگاه جامع به این معنا وجود ندارد.

*دکتر عباس آسوشه*

در پزشکی قانونی این را دیده‌اند. در پزشکی قانونی یک سامانه دیده است. این خوب است اما این سامانه با دستگاه‌های دیگر ارتباط دارد مثلاً فراجا، مثل قوه قضائیه. بعد گفت که با اینها هماهنگ بشوید. در پنجره واحد این

## دکتر احسان کیان فواہ

تشکر می‌کنیم چند نکته را در جمع‌بندی بیان می‌کنیم:

نیاز به کلان نظریه‌ای برای این طرح‌های توسعه داریم. جهان در حال اتصال و یکپارچه شدن است. نظریه مواجهه و پیشرفت برای حکمرانی جهان آینده‌ای براساس ارزش‌های انقلاب اسلامی باید ترسیم شود. این کلان نظریه نخ تسبیح برنامه‌های توسعه و بودجه ریزی می‌شود.

در کنار سواد رسانه‌ای و سواد حکمرانی نیازمندی دانش عمومی جدیدی در فهم فضای سایبر و تحول دیجیتال است و ارتباط این‌ها با ساختار و سازه‌های کشور و رویکرد برنامه‌نویسی دارد. به توسعه‌ی دانش مدیریت برنامه **Program Management** مبتنی بر اصول اساسی تحول دیجیتال و توسعه کاربردی هوش مصنوعی و ابتناء یافته بر ارزش‌های اساسی نیاز کشور است. این عالم سایبر ساخت و تبیین اقتضائات آن که فرهنگ، امنیت، اقتصاد و ارزش‌ها در آن رشد می‌یابد مسئله و فضای ساخت آینده‌ی کشور است که باید در برنامه‌ی توسعه هفتم دیده شود.

قدرت سایبری که در برنامه‌های صرفاً تکرار می‌شود از مولفه‌های متعدد نظیر قدرت زیرساختی، قدرت فناوری، قدرت نیروی انسانی، قدرت ساخت و توسعه سبک زندگی ساخته شده است. اما در اسناد و برنامه‌ها به صورت جامع دیده نمی‌شود.

در فصل آخر که موضوع هوشمندسازی مطرح شده است، ساختارهای دولتی موجود به رسمیت شناخته شده است این با روح تحول در تضاد است. در تحول و بهبود رویکرد آینده و فردا مطرح است. زمانی برای امروز و فردا باید

ارتباط نیست. فقط شما را به آن مجموعه می‌برد. به جای اینکه شما یک موتور جستجو بزنید، یکپارچگی باید وجود داشته باشد. نمی‌خواهم کار دوستان را کم‌ارزش کنم. می‌خواهم بگویم این برنامه یک برنامه‌گردان ندارد، چون دولت این قدر کار دارد و سرش شلوغ است، نمی‌رسد این نخ تسبیح را بین دونه‌هایی که از نخ درآورده دوباره بکشد.

## دکتر عزیز نیف پور آقاییگلو

خاتمه عرض من این می‌شود که لازمه تدوین این برنامه این بود که همان‌طور که وقتی اقتصادی‌ها می‌آیند طبق فهم جامعی از اقتصاد نسبت به تعیین احکام اقتصادی اقدام می‌کنند در حوزه فضای مجازی هم لازم است که جمعی از افرادی با نگاه جامع به فضای مجازی و فهم درست از میدان و تحلیل درست از آینده نزدیک که در دنیا و کشور وجود دارد، و فهم درست از سیاست‌های کلانی که ابلاغ شده، می‌نشستند و با این نظم یک برنامه‌ی مشخصی را منقح می‌کردند و دلالت‌هایش را در احکام و رویکرد جامع تدوین می‌کردند. طبعاً برنامه راهبردی مصوب شورای عالی فضای مجازی نزدیک ترین سند برای انجام این مهم بود. این یکی از ضعف‌های مهم برنامه است. اگر آقایان به مرکز ملی اعتماد می‌کنند، این مهم قابل انجام است و دانش آن هم هست و سریعاً می‌تواند انجام شود و برنامه از این منظر فضای مجازی حداقل اصلاح و ارتقا پیدا کند.

لایحه برنامه هفتم توسعه یک سری احکام براساس دغدغه‌های فردی است که یکپارچگی و کل‌نگری ندارد و مشخص نیست بعد از ۵ سال از ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۸ چه اتفاق روشن و متمایزی برای کشور خواهد افتاد؟

فکری کرد و زمانی برای آینده باید طرح‌ریزی کرد. آینده را باید برای دستیابی به چشم‌انداز روشن ترسیم و مبتنی بر فناوری‌های متنوع نوظهور و هم‌گرا هدایت و جهت‌دهی کرد. باید مجموعه‌ای خارج از ساختارهای وزارتخانه موجود این کار را پیگیری نماید. اینکه چه وزارتخانه‌هایی و مبتنی بر چه روابطی شکل بگیرد.

## برخی محورهای کلیدی نشست

ارزش‌یابی لایحه‌ی برنامه هفتم توسعه از منظر حکمرانی سایبری، سنجش پیچیده‌ای است. این نشست علمی تلاش کرد با رویکرد مراجعه به خبرگان حوزه‌ی برنامه‌ریزی و فضای سایبر لایحه‌ی برنامه‌ی هفتم توسعه را مورد مذاقه و بررسی قرار دهد. برخی محورهای کلیدی این نشست ارائه شده است.

### حکمرانی سایبری در لایحه برنامه هفتم توسعه به رسمیت شناخته نشده است.

حکمرانی سایبری که با حکمرانی سایبر یا حکمرانی فضای مجازی متفاوت است، یعنی روش اداره کشور در حال تغییر است. سایبر در حال شکل‌دهی به جهان زیست‌نوبنی است که اقتضات و الزامات خود را دارد و حکمرانی و ابزار و شیوه اداره این جهان متفاوت است. این حکمرانی همه‌ی ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر از هر حکمرانی مضافی همانند حکمرانی آب، حکمرانی پژوهش و حکمرانی فرهنگی که صحبت می‌شود، این حکمرانی با اقتضات سایبر و مبتنی بر داده قابل تحقق است.

### لایحه برنامه هفته توسعه به تحولات پر شتاب آینده واکنش مشخصی ندارد.

هوش مصنوعی، کوانتوم، اینترنت اشیا و فناوری‌های نوظهور متنوع دیگر به شدت در حال گسترش و تغییرات مناسبات اجتماعی و هویتی است. این که روند توسعه و گسترش فناوری‌ها در همه‌ی مناسبات اجتماعی به درستی اکتشاف شود و مدل مواجهه و بکارگیری آن در طرح‌های توسعه و پیشرفت کشور لحاظ شود، ضروری است. این ضرورت نگاه پیش‌دستانه، مانع‌زدا و هماهنگ کردن با زیست بوم ایران اسلامی است. این فناوری‌ها، تغییر دهنده‌ی اجتماع و مناسبات اجتماعی است.

### زنجیره‌ی آمادگی لازم برای دستیابی به اهداف و برنامه‌های مشخص نشده است.

آمادگی (Readiness) مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، کیفیت‌ها و توانمندی‌هایی است که به تحقق اهداف و برنامه‌ها کمک می‌کند. برنامه‌های توسعه‌ای نیز به تنظیم قابلیت‌های متنوع و میزان تحقق هر کدام برای به نتیجه رسیدن اهداف کلان برنامه نیاز دارد. در این لایحه مجموعه‌ی آمادگی‌ها برای تحقق اهداف مشخص نشده است. برای تحقق هدف به مشخص شدن مقدمات با اولویت‌بندی نیاز است تا هدف بر اساس آن‌چه در برنامه تعیین شده محقق شود.

## تعریف اهداف، روش اندازه‌گیری و شاخص وضع موجود مشخص نشده است.

برای عدم تفسیرپذیری و تحقق‌پذیر کردن برنامه به تعریف شفاف و مشخصی اهداف، روش اندازه‌گیری و محاسبه وضع موجود نیاز است. این اقدام چند دستاورد دارد. اول این که هدف با کلمات مشخص و غیر مبهم و نسبت آن با برنامه تبیین می‌شود. دوم روش و شرایط اندازه‌گیری سنج‌ها و شاخص‌ها لازم است مشخص شود. سوم براساس شاخص‌ها وضع موجود نیز در ابتدای برنامه تعیین شود که در پایان برنامه میزان رشد و دلیل کندی یا تسریع مشخص شود.

## در برنامه‌ی هفتم توسعه سند راهبردی فضای مجازی استفاده نشده است.

سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی در هشتم شهریورماه ۱۴۰۱ ابلاغ شده است. در طول ده سال گذشته هم شورای عالی فضای مجازی نیز مصوباتی داشته است. اما برنامه نسبتی با این مصوبات و سند، برقرار نکرده است. برنامه‌ی توسعه مجموعه‌ای از اقدامات را ترسیم کرده اما پیوند دهنده‌ی این محورها و اکتشاف نقاط مغفول با محوریت قرار دادن مصوبات شورای عالی و سند راهبردی قابل تحقق است.

## معماری روابط سه قوه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت نظارت و شوراهای عالی مشخص شود.

کشور دارای سه شورای عالی و مجمع تشخیص مصلحت نظام است. اما معماری این چهار مجموعه در نسبت با سه قوه مشخص نیست. شورای نگهبان در تصویب طرح‌ها و لوایح نظر هیئت نظارت مجمع را می‌گیرد. با این حال نیاز به ترسیم دقیق روابط قوا با سه شورای کلیدی و مجمع است. اینکه در تدوین برنامه‌ها، تصویب، اجرا و نظارت به صورت رویه‌ای قانونی نظر این شوراهای عالی دخالت داده شود و مصوبات و اسناد آن‌ها محور تنظیم برنامه‌ها و لوایح قرار بگیرد، شرط تحقق اهداف برنامه‌ای است. این شوراهای به‌صورت تخصصی و خبرگانی موضوعات را بررسی می‌کنند اما مجلس و هیئت وزیران این توان تخصصی را ندارند.